فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸، صص ۲۱۳ - ۱۸۳

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۲۰۸

بررسی الگوی فقهی و سیاست‌های محیط‌زیستی جمهوری اسلامی ایران در دریاچه ارومیه

حسین جوادی[۱]
مربی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، ایران.
رضا نیکخواه سرنقی[۲]
استادیار گروه فقه وحقوق اسلامی دانشگاه ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول)
سید مهدی صالحی[۳]
استادیار گروه فقه وحقوق اسلامی دانشگاه ارومیه، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۰ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۱**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

دریاچه ارومیه یکی از مهم‌ترین تالاب‌های ایران است که در لیست تالاب‌های با اهمیت بین المللی کنوانسیون رامسر ثبت شده است. به موجب این کنوانسیون ایارن به استفاده معقول از دریاچه ارومیه متعهد شده است. استفاده معقول از این دریاچه متضمن اتخاذ رویکرد جامع مدیریتی در بهره برداری از این تالاب ارزیابی زیست محیطی طرح‌های اثرگذار بر آن، تعیین حق آبه تالاب و قانون گذاری در جهت حمایت از آن است که با اجرای این طرح‌های توسعه‌ای بدون ارزیابی زیست محیطی و نادیده گرفتن قوانین مرتب با حفاظظت از دریاچه، علاوه بر تغییر در شرایط بوم شناسی دریاچه و تدورین و اجرای برنامه مدیریت جامع این دریاچه می‌تواند موجب احیاء آن و ضامن تحقق استفاده معقول باشد. حق بر محیط زیست سالم یکی از مهمترین مصادیق حقوق بشر می‌باشد که به دلیل ارتباط مستقیم با سلامتِ روح و روان بشر مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته است. هر چند حق بر محیط زیست اصطلاحی جدید در حقوق بین الملل می‌باشد ولی در اغلب مباحث فقهی از محیط زیست و اهمیت آن یاد شده است و از آنجا که در فقه هر تکیفی مستلزم وجود حقی است، می‌توان گفت علم فقه نیز با این اصطلاح بیگانه نیست بی شک، فقه همان بخش طلایی دین برای تنظیم زاویه دید و چگونگی رابطه ما با طبیعت است که از یک سو بایدها و نبایدهای نحوه حضور انسان در محیط زیست را تعریف کرده و به تنظیم قوانین الزام آور می‌پردازد و از سوی دیگر پویایی و تلازمش با زمان و مکان، توانمندی‌اش را برای پاسخگویی به نیازهای جدید، حفظ و تقویت می‌نماید. اگر چه ادله فقهی، دلالت کافی در تعیین حدود و ثغور تصرفات انسان در طبیعت دارند، اما قواعد فقهی به این دلیل که هم برای مجتهد کاربرد دارد و هم برای مقلد، می‌تواند کاربرد بیشتری در عرصه محیط زیست داشته باشد. با توجه به اهمیت محیط زیست و تهدید نسل بشر بررسی این سؤال ضروری است که مبانی فقه وحقوق چه تأثیری در حفظ محیط زیست و بالاخص حلّ معضل دریاچه ارومیه می‌تواند داشته باشد؟ با بررسی نظریات دانشمندان حقوق و همچنین منابع فقه به نظر می‌رسد در حقوق بین الملل، حق بر محیط زیست داری دو مبنای اساسی یعنی ارزش ذاتی و ارزش ابزاری است و در فقه نیز مبنای اصلی را می‌توان آیات، روایات، عقل، اجماع و قواعد فقهی عنوان کرد. به نظر می‌رسد مبانی فقهی می‌تواند در وضع قوانین جدید راجع به مدیریت منابع آب راهگشای احیای دریاچه ارومیه باشد.

واژه‌های کلیدی: محیط زیست، حق در محیط زیست، دریاچه ارومیه، مبانی فقهی‌حق، حقوق بشر

1. jahossein110@yahoo.com
2. rnsj.nikkhah@yahoo.com
3. drmahdisalehi@yahoo.com

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

مقدمه

کهن‌ترین تمدن‌ها در کنار رودخانه‌ها و تالاب‌ها شکل گرفته‌اند و ارزش‌ها و کارکردهای متنوع تالاب‌ها همواره باعث بهبود کیفیت محیط‌های طبیعی و زندگی جوامع انسانی بوده است و بی شک ارزش تالاب‌ها و کارکردهای بی دلیل آن بر کسی پوشیده نیست. دریاچه ارومیه نیز به عنوان نگین سرزمین ایران و خطه آذربایجان از این امر مستثنی نبوده است و علاوه بر کارکردهای ویژه زیست محیطی در سطح ملی و بین المللی، دارای پیوندهای عمیق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با مردم منطقه است. دریاچه ارومیه همراه با تعدادی از تالاب‌های اقماری که اکثر آنها خود از اهمیت بین المللی برخوردارند، در سطح ملی یک زیست بوم بسیار با ارزش و با اهمیت است که تأمین کننده تنوع زیستی غنی و برخوردار از ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. همچنین این دریاچه به عنوان یک تالاب مهم بین المللی در کنوانسیون رامسر به ثبت رسیده و در سازمان علمی، فرهنگی ملل متحد (unesco) به عنوان یک ذخیره گاه زیست کره شناخته شده و در سطح کشور نیز عنوان پارک ملی را به خود اختصاص داده است اما متاسفانه عدم شناخت مناسب از کارکردهای این زیست بوم‌های ارزشمند و توسعه روز افزون فعالیت‌های انسانی وبهره برداری از منابع پایه و زیستی به همراه بروز برخی پدیده‌های طبیعی بویژه خشکسالی های متوالی در سال‌های اخیر باعث تخریب بخش‌هایی از این زیست گاه ارزشمند شده است. شرایط بحرانی تالاب‌ها در بسیاری از کشورها دارای تشابهاتی است و با توجه به کارکردهای جهانی این زیست بوم‌های ارزشمند بویژه از دیدگاه تنوع زیستی، بهبود شرایط تالاب‌ها در سطح جهانی مستلزم مشارکتی همه جانبه در رفع تهدیدات موجود است. یکی از مهم‌ترین تالاب‌های بین المللی که به دلیل عوامل متعدد، از جمله اجرای پروژه‌های عمرانی، در سال‌های اخیر درمعرض نابودی قرار گرفته است، دریاچه ارومیه می‌باشد. روند وضعیت نامطلوب دریاچه ارومیه از یک دهه پیش شروع شده وروز به روز وخیم‌تر می‌شود؛ به طوری که با این روند فعلی احتمال خشکیدن کامل در یاچه ارومیه ظرف چند سال آینده دور از انتظار نیست. حوضه دریاچه ارومیه، دست کم طی یک دهه گذشته، با خشک سالی‌ها و کم بارشی‌های پیاپی رویارو بوده است. همچنین، این حوضه، پهنه ساخت انواع سازه‌های آبی در قالب سد، بند و پل قرار گرفته است. سدهای مذکور، بدون توجه به خشکسالی های متعدد و حقابه دریاچه،

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

ساخته شده‌اند و از این رو، گسترش کشاورزی نواحی فرادست رودها را به دنبال داشته است. نتیجه آنکه، بر اثر عوامل طبیعی و انسانی، این رونق و شکوفایی در فرادست، به خشکیدن تدریجی دریاچه انجامیده است که نتایج آن درچند سال آینده، در قالب آشفتگی بنیادهای زیستی منطقه، سکونت گاه‌های شهری و روستایی، شوری زمین‌های زراعی و پدیدارشدن یکی از کانونهای ریزگردساز در شمال غرب کشور، نمود خواهد یافت. در این مقاله معضلات و مشکلات محیط زیستی دریاچه ارومیه در قالب مبانی فقهی حق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

حق بر محیط زیست از مهمترین مفاهیم به کار رفته در حقوق بین الملل و جزو نسل سوم حقوق بشر، یعنی «حقوق همبستگی» است. تحول حق بر محیط زیست سالم در اسناد بین المللی را ابتدا باید در اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم جستجو کرد که نخستین گام جامعه جهانی در اعطای وصف حقوق بشری به حفاظت محیط زیست است. امروزه دیگر حق بر محیط زیست تنها یک آرزوی طرفداران محیط زیست نیست، بلکه قواعد حقوقی موجود آن را مورد تاکید قرار می‌دهند (امیر ارجمند،۱۳۷۳:۳٤۷). اصطلاح حق بر محیط زیست از اصطلاحات جدید بوده و سابقه فقهی ندارد ولی از آنجا که میان حق و تکلیف تلازم وجود داشته و از هم تفکیک ناپذیر هستند، بنابراین هر جا نسبت به محیط زیست تکلیف وجود داشته باشد؛ قطعاً حق نیز وجود خواهد داشت. در فقه نیز شرع مقدس اسلام به تناسب موضوعات و احکام مختلف و در بابهای گوناگون لزوم حفظ محیط زیست به صورت مصداقی و وموضوعی را به مسلمانان متذکر شده است. هدف این مقاله این است که، می‌کوشد با توجه به تأثیر باورهای شخصی در تعریف چگونگی روابط انسان با طبیعت، آن قسمتی از دین را (به عنوان یک جهان بینی فراگیر) بیشتر مورد توجه قرار دهد که در حوزه تنظیم این روابط، تأثیرگذارتر است. این پژوهش با روش مطالعه کتابخانه‌ای، در کنار توجهی مختصر به قرآن، سنت و عقل، هشت قاعده فقهی را نیز در حفظ و حراست بهتر از محیط زیست مورد واکاوی قرار داده است.

بیان مساله

به دلیل تداوم بحران‌های محیطی (علی رغم پیشرفت علم و تکنولوژی) دیدگاه جهانی نسبت به مذهب تغییر نموده و مذهب به عنوان عاملی مؤثر در رفع بحران‌های زیست محیطی مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از طرفداران محیط زیست اکنون بر این اعتقادند که

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

سیاست‌های زیست محیطی نه تنها باید از جامعیت برخوردار باشند، بلکه اینگونه سیاست‌ها در اجرا، محتاج حمایت‌های فرهنگ دینی و اخلاقی می‌باشند که زیربنای حفاظت‌های محیطی هستند (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ١٤) در چنین شرایطی بررسی نگاه دین به محیط زیست، اهمیتی مضاعف می‌یابد. برای آگاهی از جایگاه محیط زیست در منظومه تعالیم دینی می‌توان تقسیمی چهارگانه را از تمام روابط انسان در نظر گرفت؛ رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با خود، رابطه انسان با دیگر انسان‌ها و رابطه انسان با طبیعت. چگونگی تعامل انسان با طبیعت و منابع طبیعی، آب، خاک، هوا، جنگل، جانوران و ...؛ در حوزه چهارم روابط انسان تعریف شده و احکام این روابط در نگاه فقهی به این حوزه تبیین وتشریح می‌گردد. اگر چه تفکر مادی گرا، بهره برداری حداکثری و سودجویانه از طبیعت را بیشتر ترویج می‌کند؛ اما در نگاه دینی، نگاه حداقلی به طبیعت این است که محیط زیست، امانت بوده و باید به نحو احسن حفظ شده به نسل‌های آتی منتقل گردد. احکام فقهی مربوط به مجوزها و حدود و ثغور دخل و تصرف در محیط زیست، در این حوزه تعریف می‌شوند. نگاه حداکثری دین به محیط زیست نیز این است که باید محیط زیست را به لحاظ کمی و کیفی، ارتقاء داده و مطلوبیت آن را به حداکثر رسانید. فقه اسلامی به عنوان مجموعه‌ای از احکام و قواعد دینی برای حیات اجتماعی و فردی مردمان، اولاً نمی‌تواند منصرف از مسائل جدید (مستحدث) زندگی ما باشد و ثانیاً حفاظت از طبیعت و محیط زیست انسان هرچند به عنوان شاخه‌ای مستقل از فقه، مورد توجه علمای اسلام نبوده است، اما در بین قواعد، اصول و احکام فقهی، می‌توان مواردی را که تصریحاً یا تلویحاً به محیط زیست می‌پردازد، جست. تالاب بین المللی دریاچه ارومیه که در ایران باستان به «چی چست» مشهور و به قولی کرانه‌های آن زادگاه زرتشت پیامبر باستانی ایران زمین بوده در سال‌های اخیر با انواع بلاهای طبیعی و انسانی دست و پنجه نرم کرده و با سرعت به سوی نابودی پیش می‌رود. «دریاچه ارومیه» با وسعت بیش از ۵۷۰ هزار هکتار دارای حوزه آبریزی با حدود ٦۰ هزارکیلومترمربع (تقریباً سه درصد مساحت ایران) را در بر می‌گیرد. این دریاچه به‌دلیل اهمیت محیط زیستی به عنوان ذخیره گاه زیست کره در مجامع جهانی به ثبت رسیده و مورد حمایت بین المللی قرار گرفته است. دریاچه ارومیه در سال ۱۳۵۲ خورشیدی با مصوبه شورای عالی محیط زیست به عنوان پارک ملی و در سال ١٣٥٤ خورشیدی از سوی کنوانسیون جهانی تالاب‌ها (کنوانسیون رامسر) به عنوان یکی از مهم‌ترین

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

تالاب‌های بین المللی جهان به ثبت رسیده است، این در حالی است که امروزه سیر قهقرایی نابودی و پاک شدن از روی نقشه جغرافیایی جهان را با سرعت طی می‌کند.

پارک ملی دریاچه ارومیه با ۳۰ تالاب وابسته و اقماری آب شور و شیرین بزرگترین زیستگاه حیات وحش خاورمیانه بوده که در سالیان گذشته صدها هزار پرنده بومی و مهاجر در آنها لانه‌سازی و زاد آوری می‌کرده‌اند. دریاچه ارومیه با ویژگی‌های خاص خود بعد از دریاچه شور دریای مرده (Dead Sea یا بحرالمیت در غرب اردن با ۸۱۰ کیلومتر مربع وسعت و شوری ۳۳/۷ درصد) به عنوان دومین دریاچه شور جهان به شمار می‌رود و به عنوان بزرگ‌ترین تالاب دایمی با دارا بودن ۱۰۲ جزیره بزرگ و کوچک از قابلیت‌های اکولوژیک یگانه‌ای برخوردار است.

دریاچه ارومیه در ارتفاع ۱۲۲۵ متر از سطح دریا درگودال وسیعی واقع شده که رود ارس و ارتفاعات سهند و سبلان حد شمال و شرقی، دره سفیدرود و کوه‌های کردستان حد جنوب خاوری و جنوبی، و کوه‌های مرزی با ترکیه حد باختری آن را تشکیل می‌دهند. آب دریاچه بسیار شور و تلخ و املاح آن در گذشته حدود ۲۳ درصد بوده است. در این دریاچه حدود ٥٦ جزیره کوچک و بزرگ وجود دارد که از همه معروف‌تر جزیره اسلامی (شاهی سابق) است که قسمت خاوریان در موقع پسروی آب به شبه جزیره تبدیل می‌شود (باقرزاده وکریمی،١٣٨٦:١٣). مدیریت جامع دریاچه ارومیه نشان می‌دهد که دریاچه ارومیه تا کمتر از ۲۰ سال آینده با بحران شدیدی مواجه خواهد شد و هم اکنون ۹ جزیره بزرگ این زیست بوم به صورت کامل به خشکی متصل شده و ادامه این روند حیات منطقه را به خطر خواهدانداخت. بر این اساس محیط زیست دریاچه ارومیه و مناطق اطراف آن در خطر است و حق حیات این دریاچه و طبیعت آن در معرض نابودی قرار دارد. بر این اساس در این مقاله سعی شده که مسائل محیط زیستی دریاچه ارومیه در قالب مبانی فقهی حق در اسلام مورد بررسی قرار گیرد.

محیط زیست در نظرگاه جامعه ایران اسلامی

در نظرگاه جامعه ایران اسلامی محیط زیست، شان و منزلتی بالا دارد احترام و منزلتی که برخاسته از آموزه‌های قرآن کریم، سیره و سنت معصومان علیه سلام و قانون اساسی جمهوری

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

اسلامی ایران است. بر همین مبنا شایسته است تا جمهوری اسلامی ایران به عنوان نمادی از حکمرانی مطلوب در تمام شئون فرهنگی – اجتماعی و سیاسی از محیط زیستی سالم برخوردار باشد. سند ملی جمهوری اسلامی ایران که با الهام از آموزه‌های اسلامی تهیه شده معیار برازنده مهین اسلامی در سطح جهان اسلام و کشورهای منطقه تدوین وتصویب گردید متضممن رویکردی جامع نگر، واقع بینانه و نو اندیشانه به تحول در محیط زیست جمهوری اسلامی ایران است.

ارزش‌های بنیادین سند محیط زیست جمهوری اسلامی ایران:

۱. هدفمندی و معناداری نظام آفرینش.

۲. حکمت، تدبیر، اراده و قدرت الهی در حفاظت از زیست کره.

۳. وجود سنت الهی و خلیفه الهی انسان در طبیعت.

٤. وحدت کلی انسان، جامعه و طبیعت.

۵. وجود توازن، تعادل، رحمت و زیبایی در آفرینش.

اصول محیط زیست:

الف. عمومی سازی فرهنگ محیط زیست.

ب. کاربست فناوری‌های نوین مدیریت محیط زیست.

ج. برقراری عدالت درون نسلی برای بهره برداری از منابع.

د.پذیرش سازگاری عدالت و پیشرفت در محیط زیست.

و. خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در حوزه محط زیست.

ه. نقش آفرینی مداوم جامعه برای حفظ سلامت محیط زیست.

تعریف حق بر محیط زیست

در خصوص حق بر محیط زیست تعریف مقبول و جامعی که مورد پذیرش همگان باشد، ارائه نشده است. این مطلب براساس اختلاف‌های نظری است که در خصوص این حق وجود دارد، اکثر نوشته‌های موجود از ارائه تعریفی مشخص برای آن اجتناب نموده‌اند و یا تعاریف ارائه شده نیز مواجه با برخی مناقشات نظری است (قدیر،۱۳۹٤:۱۰٦). در کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی و متون مرتبط نیز تعریفی از حق بر محیط زیست ذکر نشده است. با وجود این

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

مواد ١٤ و ١٥ پیش‌نویس سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی تا حدودی حق بر محیط زیست را تبیین نموده است: ماده ١٤: انسان‌ها به صورت گروهی حق دارند از محیط زیست سالم و متعادل از نظر زیست محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار گردند. ماده ١٥: دولت‌های عضو متعهد می‌گردند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی ننمایند که به سلامت انسان و همزیستی جمعی صدمه وارد کند. صدمه‌ای که برای توسعه جمع، ضروری باشد و راهی برای اجتناب از آن وجود نداشته باشد، قابل قبول محسوب می‌گردد. باید بررسی شود که مراد از حق بر محیط زیست چه می‌باشد و محتوای آن در بردارنده چه کیفیتی از محیط زیست است (فیروزی،١٣٨٤:٥٢).

برای رسیدن به یک تعریف قابل قبول باید به این مطلب توجه نمود که حق بر محیط زیست آمیزه‌ای از دستاوردهای دو شاخه اصلی حقوق بین‌الملل یعنی حقوق محیط زیست و حقوق بشر می‌باشد که بدون درک درست این حقوق ارائه تعریف مشکل می‌نماید (کرسی صلح و حقوق بشر، ١٣٨٩:١٤٧). به صورت ساده می‌توان حق بر محیط زیست را این گونه تعریف نمود: حق بر محیط زیست حقی است که به موجب آن برخورداری از محیط زیست شایسته، سالم و امن یک حق بشری محسوب می‌شود که در آن تمیزی و پاکی محیط زیست هم مورد حفاظت قرار گیرد و تغییرات در محیط زیست به گونه‌ای نباشد که به سلامت انسان و زندگی جمعی او صدمه وارد کند (قدیر، ١٣٩٤: ١٠٧).

اجزای حق بر محیط زیست

حق بر محیط زیست دارای اجزایی است که تشکیل‌دهنده و قوام دهنده حق مزبور هستند. این اجزا عبارتند از:

١–حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی.

٢–حق مشارکت در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی.

٣–حق بر آموزش مسائل زیست محیطی.

٤–حق دادخواهی از جمله مجازات و جبران خسارات زیست محیطی (افتخارجهرمی،١٣٨١:٥١).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

بایسته‌های حفظ محیط زیست دریاچه ارومیه در پرتو قواعد فقه

بحران زیست محیطی نیز همانند دیگر بحران‌های برآمده از فرهنگ مادی‌گرا، زمینه‌ها و پشتوانه‌های فلسفی و اخلاقی دارد. در حال حاضر به دلیل تداوم بحران‌های زیست محیطی، دیدگاه جهانی نسبت به مذهب تغییر یافته و به عنوان یکی از عوامل مؤثر در کاهش معضلات زیست محیطی، مورد توجه قرار گرفته است. اکنون بسیاری از طرفداران محیط زیست بر این اعتقادند که سیاست زیست‌محیطی کارآمد، نیازمند جامعیت و حمایت‌های دینی و اخلاقی است، چرا که در تعالیم ادیان اسلام، یهود، و مسیح، احترام به طبیعت و همه عالم وجود به عنوان یک اصل اخلاقی مورد توجه و عنایت است (کیس،۱۳۸٤:۷۰). بیش از سی سال است که بحثهای مربوط به دین و محیط زیست در محافل علمی و تخصصی مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از طرفداران محیط زیست اکنون بر این اعتقادند که سیاستهای زیست‌محیطی نه تنها باید از جامعیت برخوردار باشند، بلکه اینگونه سیاست‌ها در اجرا، محتاج حمایت‌های فرهنگ دینی و اخلاقی می‌باشند که زیربنای حفاظت‌های محیطی هستند (ابراهیمی و سالاری،۱۳۹۲:۷).

از دیر باز علما و فقهاء مبانی استنباط احکام فقهی را چهار دلیل، قرآن، سنت، اجماع و عقل شمرده‌اند و ما نیز در این مقاله طبق سنت علما، از این چهار دلیل مهم و معتبر شروع نموده و در پایان نیز قواعد مهم فقهی در باب حفظ محیط زیست را ارائه خواهیم نمود.

۱- قرآن کریم

با توجه به‌مفاهیمی چون بر اساس رحمت بودن کل خلقت، آیه و نشانه بودن خلقت، خلافت انسان در زمین، تناسب بهره‌مندی از محیط زیست با کرامت انسان، در تسخیر انسان بودن طبیعت و ابعاد گسترده نعمت (که محیط زیست، یکی از آن جمله است)؛ در قرآن کریم که در رابطه با محیط زندگی انسان مطرح شده و موضوعاتی را در هر یک مورد واکاوی قرار داده است، می‌توان طبیعت و محیط زیست طبیعی را میراث و امانت الهی برای انسان دانست تا با رعایت قواعدی، از آن بهره برده و بر حفظ و توسعه آن اهتمام ورزد. در قرآن کریم چند دسته از آیات را می‌توان جست که یا بهره‌مندی از محیط زیست را حقی همگانی می‌دانند، یا مصادیقی از محیط زیست را نام برده و آنها را برای بهره‌مندی انسان می‌دانند، یا آیاتی که محیط

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

زیست و مصادیق آن را تحت تسخیر و سیطره انسان می‌دانند. با توجه به تناسب و تلازم حق و تکلیف، هر جا که حقی ثابت باشد، مسئولیتی نیز تعریف و تثبیت می‌شود که محیط زیست نیز از این امر مستثنی نیست. از حداقل بایدها ونبایدهای ارشادی واخلاقی یا احکام تکلیفی استحباب وکراهت، تضمین حق جمعی ومنفعت همگانی استظهارمی‌شود. باتأمل درآیات می‌توان‌قواعد الزامی وحقوقی و احکام تکلیفی حرمت تخریب طبیعت واستفاده ناروا از آن و وجوب حفظ محیط زیست رابه دست آورد؛ حدود ۱۹۸ آیه متضمن مضامین محیط زیست بوده و نیز در ٤٤٤ آیه به زمین اشاره شده که ۹۰ آیه آن دررابطه بامحیط زیست می‌باشد. بعضی‌از این آیات جنبه ایجابی وآمرانه دارد، بعضی نیزکیفیت شکل‌گیری واهمیت زمین در ارتزاق مردم را گوشزد می‌نماید، مفادبعضی ازآیات ویرانگری درنسل ومحیط زیست را حرام می‌داند (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۷).

یکی از بارزترین دلایل بر اهتمام قرآن کریم به محیط زیست، نام‌های سوره‌هاست؛ به نحوی که سوره‌های بقره، انعام، فیل و عادیات از نام‌های حیوانات و سوره‌های نحل، نمل، عنکبوت از حشرات و سوره تین از نباتات و سوره حدید از معادن می‌باشد. هم چنین سوره‌های رعد، ذاریات، نجم، فجر، شمس، لیل، ضحی، عصر، طور، بلد، احقاف، حجر و کهف از مظاهر طبیعت و اماکن می‌باشد. عنایت قرآن به محیط زیست با توجه به این نامگذاری‌ها روشن بوده و حتی خداوند به برخی از این نام‌ها قسم نیز یاد می‌کند.

چنین نامگذاری هائی برای سوره‌های قرآن، به انسان از طریق راهنمایی و الهام می‌فهماند که چه ارتباطی با محیط خود دارد و نباید از آن غفلت ورزد (قرضاوی، ۲۰۰۱: ۸). هم چنین در قرآن، آیات زیادی وجود دارد که در آنها، خداوند به عنوان تنها خالق هستی معرفی شده است. (به عنوان مثال به آیات ۱۸۵/اعراف، ۱۰۱/انعام، ٤٥/نور و ٤/سجده می‌توان اشاره نمود). این حقیقت در حالی است که طبق آموزه‌های اسلام، خداوند نه تنها خالق هستی است بلکه محیط بر آن و همه چیز محاط خداوند است.

برخی از علما این واژه «المحیط» در قرآن را یکی از تعبیرهای نزدیک به واژه محیط زیست دانسته و از آن به عنوان نقطه آغاز هر گونه تلاش برای شناخت دیدگاه اسلام نسبت به محیط زیست و تعامل انسان با آن یاد می‌کنند (محقق داماد، ۱۳۸۸: ٤٥).

بنابراین در این دیدگاه خداوند متعال خالق و نگهدار زمین است؛ لذا مراقبت از محیط

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

زیست، مراقبت از چیزهایی است که متعلق به خداوند است و انسان به دلیل اینکه خلیفه الله بوده و جانشین خداوند روی زمین است، نسبت به محیط زیست مسئولیتی ویژه دارد. چنین مسئولیتی مستلزم این است که در هنگام تصمیم‌گیری درباره محیط زیست، پیامدهای ممکن بر سایر موجودات نیز نادیده گرفته نشود؛ چرا که تمامی اجزاء طبیعت به دلیل ارتباط با خداوند از ارزش برخوردار بوده و انسان وظیفه دارد تا از آنها مراقبت نماید (انتظامی، ۱۳۹۱: ٤٧). بر این مبنا انسان باید از آنچه که خداوند او را نسبت به آن مکلف ساخته آگاهی یابد و به دستورات خداوند درباره چگونگی رفتار با محیط زیست عمل نماید؛ چراکه شناخت اصول زیست محیطی و تحصیل آن و پرهیز از تخریب آن و سعی در سالم سازی آن، از بارزترین حقوق انسانی و نیز از روشنترین تکالیف بشری به شمار می‌آید (جوادی آملی، ۱۳۸٤: ۱۰٤).

۲- سنت

از منظر روایات معصومین (ع) نیز محیط زیست و حفاظت و عدم تخریب و آلودگی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. دیدگاه اهل بیت (ع) در روایات متعددی تجلی یافته است، در نگاه ایشان انسان باید با محیط و آنچه در پیرامون آن قرار دارد تعامل داشته و با احسان رفتار نماید. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «ان الله کتب الاحسان علی کل شیء»، از واژه «کتب» واجب بودن موضوع فهمیده می‌شود؛ زیرا در قرآن کریم در موارد متعددی از این واژه استفاده شده است که در همه آن موارد، همین معنا منظور بوده است همانند: «کتب علیکم الصیام» (۱۸۳/ بقره)(قرضاوی، ۲۰۰۱: ۹). بنابراین نیکی و احسان و رفق و مدارا نمودن با تمام عناصر زیست محیطی از قبیل انسان، حیوان، نبات و جماد واجب است.

روایاتی از پیامبر اسلام وجود دارد که نشانگر این مطلب می‌باشد که سیره ایشان در جنگ‌ها عدم تخریب محیط زیست بوده است، به عنوان مثال روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: هرگاه پیامبر (ص) فرمانده ای را برای جنگ انتخاب می‌کردند او را سفارش به تقوا می‌نمودند و سپس می‌فرمودند: «... و لا تحرقوا النخل و لا تغرقوه بالماء و لا تقطعوا شجره و لا تحرقوا زرعاً لا تدرون لعلکم تحتاجون الیه و لا تعقروا من البهائم مما یؤکل لحمه الا ما لابد من آکله...». «نخل خرما را آتش نزنید و آن را با آب غرق نکنید و درختان را قطع نکنید و زراعت را آتش نزنید، شاید به آن احتیاج داشته باشند و از پی نمودن حیوانات حلال خودداری کنید مگر

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

اینکه چاره‌ای جز استفاده از گوشت آن نداشته باشید...». طبق این روایت، پیامبر اسلام که شارع دین مقدس اسلام و پیام آور احکام دین اسلام از جانب خداوند است، درباره حفظ محیط زیست چنان دقیق و حساس بوده‌اند که حتی در بحبوحه جنگ‌ها و در آن شرایط اضطراری به این امر سفارش می‌کردند. وقتی که ایشان در جنگ چنین دستور می‌داده است، واضح است که دیدگاه ایشان در زمان صلح چه بوده است. اکنون با پیشرفت سلاح‌های جنگی که می‌توان از راه دور در یک لحظه کیلومترها محیط زیست را با خاک یکسان کرد به گونه‌ای که حتی تا صدها سال قابلیت زیستن را نداشته باشد، اهمیت این دستور پیامبر اکرم (ص) را می‌توان به روشنی درک و لمس نمود و به واقع اگر همین یک دستور ایشان در زمان حاضر در دنیای پر از جنگ رعایت شود میلیون‌ها انسان می‌توانند در سایه آن از آسایش و رفاه برخوردار بوده و مجبور به ترک خانه و محل زندگی خود نباشند. در مورد احیاء و آباد کردن محیط زیست، روایت‌های فراوانی از اهل بیت (ع) وجود دارد که به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

۱- امام باقر (ع) نقل فرموده‌اند: که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «کسی که آب و خاکی بیابد و با وجود آن فقیر باشد (زراعت نکند) خداوند او را از رحمت خود دور گرداند»(حر عاملی، بی‌تا: ۹۷). بنابراین هر ملتی که آب و زمین کشاورزی به اندازه کافی دارد ولی آب‌ها را مهار و اصلاح نکند و در اثر کم کاری یا بدکاری، محتاج گردد از رحمت حق دور خواهد بود (جوادی آملی،۱۳۸٤: ۱۰۷).

۲- پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هر گیاهی که کاشته می‌شود، فرشته‌ای نگهبان آن می‌شود تا زمانی که به ثمر برسد، پس هرکس آن را زیر پا له کند فرشته نگهبان او را لعنت می‌کند»(محمدی،۱۳۸۸: ۷۸).

۳- پیامبر اکرم (ص): «من غرس غرساً لم یاکل منه آدمی و لاخلق من خلق الله الا کان له صدقه».

«کسی که نهالی بکارد، آدمی و مخلوقی از مخلوقات خداوند از آن نمی‌خورد مگر اینکه برای آن کس صدقه‌ای باشد»(جوادی چهار برج و همکاران، ۱۳۹٤: ۲۲).

۳-پیامبر اکرم (ص): «اگر نهالی در دست شماست و قیامت در آستانه قیام است و مرگ شما قطعی است، اگر کمترین وقت برای غرس نهال و کاشتن نهال در اختیار دارید از آن فرصت کوتاه کمک بگیرید و آن را کشت نمائید».

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

۴-دلیل عقل

عقل به لحاظ آنچه که درک می‌کند به عقل نظری و عملی تقسیم شده است. عقل نظری عبارت است از ادراک آنچه که سزاوار دانستن است، مانند ادراک حقیقت جسم و روح و عقل عملی عبارت است از ادراک آنچه که سزاوار انجام دادن یا ترک کردن است از بایدها و نبایدها (صدر، ۱۳۷۵:٤١).

مقصود از حکم عقل در موضوع محیط زیست، بخشی از مدرکات عقل عملی است که در کتب اصولی متأخر مورد توجه قرار گرفته، و بر قاعده کلامی حسن و قبح عقلی و نیز قاعده ملازمه میان حکم عقل و شرع، استوار شده است (مظفر،۱۳٦۸:۲۰۰). از نظر عقلی هرگونه اقدام انسانی که به بر هم خوردن توازن و تعادل محیط زیست بینجامد و موجب اخلال در نظام زندگی و هلاکت انسان شود، قبیح است. در مقابل، تلاش آدمی به منظور حفظ و صیانت محیط زیست و احیای آن و تقویت توازن و تعادل عناصر آن، که به حفظ نظام و بقای انسان بیانجامد، نیکو است (سلیمانی و همکاران،۱۳۹۵: ۵۷). رکن اساسی این دلیل، مسأله حفظ نظام و بقای نوع آدمی است که از جمله قضایای مشهور به شمار می‌آید و آرای همه عقلاء بر آن استقرار یافته و شارع نیز در مقام خالق عقل، با آن موافق است. نتیجه حکم به ضمیمه قاعده ملازمه حکم عقل و شرع، وجوب شرعی اصلاح محیط زیست و حرمت تخریب آن است (جعفری، ١٤١٩ ق:١٥٤).

۵-اجماع:

با مطالعه کتب فقهی امامیه از کتاب طهارت تا دیات، فقها در باب‌های مختلف فقهی به مناسبت موضوع‌های مختلف اعم از طهارت و نجاست، اطعمه و اشربه، صید و ذباحه به مصادیق محیط زیست اشاره نموده و فتاوای بسیار زیبایی مطرح نموده‌اند که هر انسان با شعور و با وجدانی، با مطالعه این احکام به وجد می‌آید و از مطالعه آن فتاوا به احکام غنی و بی عیب و نقص دین مبین اسلام و مذهب تشیع پی می‌برد که در ذیل به چند مورد به عنوان نمونه اشاره می نمائیم:

«باید توجه داشت که نفقه حیوانات اندازه معینی ندارد و آنچه واجب است بر آوردن نیازهای خوردنی و نوشیدنی و تهیه محل سکونت مناسب برای حیوان است که با توجه به

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

زمان و مکان و نوع حیوان فرق می‌کند. اگر مالک حیوان نتواند یکی از امور یاد شده را انجام دهد حاکم به نیابت از او آنچه را مصلحت بداند انجام می‌دهد. اگر حیوان بچه شیری داشته باشد باید مالک اجازه دهد به مقدار کافی از شیر مادرش بنوشد؛ زیرا نوشیدن شیر به مقدار کافی از نفقه حیوان به شمار می‌آید، اگر دوشیدن شیر برای خود حیوان به دلیل کمبود علف و یا هر دلیل دیگر زیان آور باشد دوشیدن آن جایز نیست، اما اگر دوشیدن شیر برای حیوان و بچه‌اش ضرری نداشته باشد بهره نگرفتن از شیر او مکروه است و یا جایز نیست؛ زیرا به ضایع کردن مال می‌انجامد، لیکن مالک باید مراقب باشد تا آخرین قطرات شیر را از پستان حیوان بیرون نکشد؛ زیرا سبب آزار او می‌شود. مستحب است دوشنده شیر، ناخن‌های خود را کوتاه کند تا حیوان اذیت نشود. جایز نیست حیوان باربر را به گونه‌ای بار کند که طاقت آن را ندارد و به همین دلیل است که در روایت نهی شده است از سوار شدن ۳ نفر بر یک حیوان و سزاوار است که برای زنبور عسل مقداری از عسل را در کندو نگه دارد.»(نجفی، ۱۳۷۳: ٤٠).

«نابود کردن مساکن و کشت زارها و قطع درختان و یا صدمه زدن به آنها در هنگام جنگ جایز نیست مگر آنکه چاره‌ای جز آن نباشد.»(حلی،١٤١١: ۲۱۳).

«بریدن درختان، پرتاب آتش و بازکردن آب به سوی دشمن مکروه است.»(شهید ثانی، ١٤١٣: ١٤٥). محقق کرکی نیز احتمال حرمت را در این موارد قوی دانسته و حتی کشتن حیوانات را شدیدتر از بریدن درختان می‌داند و حرمت در آن را بسیار قوی (کرکی، ١٤٠٨: ١٢٠).

«صرف مال برای نجات حیات چارپا، گرچه ملک دیگری باشد واجب است.»(شهید ثانی، ١٤١٣: ١٤٥).

«اگر نزد شخصی قدر اندکی آب باشد و حیوانی همچون سگ در آنجا وجود داشته باشد و به ویژه بیم تشنگی او برود، واجب است به تیمم روی آورد و آب صرف وضو نکند»(نجمی، بی‌تا: ١٤).

«تأمین نیازمندی‌های درمانی و دارویی حیوان در حکم نفقه آن است.»(شهید ثانی،١٤١٣: ١٤٦).

«ادرار کردن در لانه جانداران و حشرات مکروه است و مخالفی در این حکم وجود ندارد.»(نجمی، بی‌تا: ١٤).

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

«آبیاری درختی که به امانت به شخصی سپرده شده است واجب می‌باشد.»(شهید ثانی،۱٤۱۳: ۱٤٦).

«در نزد فقها آلوده کردن سواحل رودخانه، طرق، زیر درختان میوه دار و استراحت گاه‌های مردم به هر طریقی مثل مدفوع کردن یا ادرار کردن، جایز نیست.»(بحرانی، بی‌تا: ۷۷).

مبانی فقهی حق بر محیط زیست

در زمان غیبت، فقهای اسلام با الهام و بهره وری از منابع و متون اسلامی، قواعد فقهی متعددی را استخراج کرده و عرضه نموده‌اند، قاعده‌هایی که گاه در یک باب و گاه در چندین باب و گاه در سرتاسر فقه کاربرد دارند. قاعده‌هایی که به فقه نشاط و شادابی و پویایی می‌بخشند و فقیه را در پاسخ گویی به پرسش‌های نوین و مسائل مستحدثه از جمله حق بر محیط زیست یاری می‌رسانند. در بحث حق بر محیط زیست نیز بسیاری از قواعد راهگشا بوده و حکم فقیه را روشن می‌گردانند و همانگونه که اشاره خواهد شد بعضی از قواعد جنبه آمره بودن را دارا هستند که بر تمامی احکام فقه حاکم بوده و آنها را تلطیف می‌نمایند. به همین دلیل می‌توانند بهترین مبنای فقهی برای حق بر محیط زیست باشند.

تعریف لغوی و اصطلاحی قاعده

قاعده در لغت به معنای اساس و ریشه است و به این تناسب ستون‌های خانه را نیز قواعد گویند (طریحی، ۱٤۰۸: ۱۰۹). و در اصطلاح نیز امری است کلّی که در هنگام شناسایی احکام جزئی از آن، بر تمامی جزئیات منطبق باشد (تهانوی، ۱۹۹٦: ۲۳۰).

به عبارت دیگر، قواعد فقهی فرمول‌های بسیار کلّی هستند که منشأ استنباط قوانین محدودتر می‌شوند و به یک مورد ویژه اختصاص ندارند، بلکه مبنای قوانین مختلف و متعدد قرار می‌گیرند (محقق داماد، ۱۳۸۲: ٤٦). قواعد فقهی، سازنده و موجد احکام هستند و قواعد زیست محیطی فقهی نیز احکامی متضمن مقررات حفاظت از محیط زیست را می‌سازند و از تخریب و تجاوز به محیط زیست با وضع قواعدی جلوگیری می‌نمایند. با توجه به مطالب فوق، قواعدی را که می‌توان به عنوان مبنای حق بر محیط زیست مطالعه و تبیین نمود، در ذیل مورد کنکاش و بررسی واقع می‌شود:

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

قاعده لاضرر

قاعده لاضرر که در فقه به قاعده «لاضرر و لاضرار» و «لاضرر و لاضرارفی الاسلام» معروف است مستند به آیه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره، روایات متعدد، عقل و اجماع می‌باشد (حرعاملی، ۱۳۸۹: ۱۱۳). از میان روایات فوق، روایت سمره بن جندب (صدوق قمی، ۱٤۰۹: ۱۷) از شهرت بیشتری برخوردار است. روایت سمره در حد تواتر بوده و از حیث سند نیز مرثوق است. هرچند عبارات متفاوتی در اسناد گوناگونِ این روایت وارد شده است اما تفاوت‌های موجود، در معنای مورد نظر ما در حوزه حفاظت از محیط زیست تغییری ایجاد نمی‌کند، بنابراین به این مسأله نمی‌پردازیم.

مفهوم ضرر و ضرار

شناخت مفهوم ضرر وضرار در شناخت قلمروی قاعده لاضرر و در نتیجه بحث حاضر اهمیت ویژه‌ای دارد. با بررسی نظرات فقها می‌توان گفت که در باب ضرر معنای عرفی مراد است (انصاری، ۱۳۷۵: ۲۰٦). و شامل هر گونه آسیب و زیان و نقص در اعیان می‌شود.

درباره مفهوم ضرار نیز می‌توان گفت معانی متعددی برای آن ذکر شده است: «هرگونه نقص در مال یا جان»، «مجازات بر ضرری که از سوی دیگران به انسان می‌رسد»، «ضرر متقابل»، «در تنگنا قرار گرفتن»، «ضرر زدن به دیگران بدون دریافت سود» و «اصرار بر ضرر»(انصاری، ۱۳۷۵: ۲۰۷). برای کلمه ضرر نیز معانی متعددی بیان شده است، از جمله «خلاف نفع»، «سوء حال»، «نقص در حق» و «عمل ناپسند نسبت به یک شخص.» (میرزای قمی، ۱۳۲۱: ۱۲۵).

مفاد قاعده

در باب قاعده لاضرر، نظرات گوناگونی در میان فقهای امامیه ابراز شده است: عده‌ای از فقها، بر این باورند که مراد از لاضرر نهی از ایجاد ضرر است یعنی ضرر رساندن به یکدیگر از دیدگاه شرع ممنوع و حرام است: (موسوی بجنوردی، ۱٤۱۳؛ العراقی، ۱٤۱۸؛ خمینی، ۱۳۷۸؛ رشیدپور، ۱۳۸۹؛ الفرحی، ۱٤۳۰؛ صدر، ۱٤۲۰) و عده‌ای آن را به معنای نفی ضرر غیر متدارک، تعبیر نموده‌اند (مکارم شیرازی، ۱٤۱۱؛ میرزای قمی، ۱۳۲۱).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

عده‌ای، مفاد آن را نفی حکم ضرری، (نراقی، ۱٤۰۸) و عده‌ای نیز مفاد قاعده لاضرر را نفی حکم به انسان نفی موضوع می‌دانند (خراسانی، ۱٤۲۲؛ موسوی بجنوردی، ۱٤۱۳). نظریه اول یعنی نهی از ایجاد ضرر، متضمن معنای مورد نظر ما می‌باشد و دیگر موارد نیز هر چند بی ارتباط نبوده اما در معنای مورد نظر ما صراحت ندارد.

قاعده «لاضرر» از قواعد حاکم فقهی است، به این معنا که بر هر گونه مقرره شرعی حکومت کرده و تعدی از حدود را اجازه نمی‌دهد (الفرحی، ۱٤۳۰؛ خوئی، ۱٤۱۰؛ مصطفوی، ۱٤۲۱؛ صدر، ۱٤۲۰؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۹). در بیان علامه شهید مرتضی مطهری آمده است: «یکی دیگر از جهاتی که به این دین، خاصیت تحرک و انطباق بخشیده و زنده و جاوید نگه می‌دارد این است که یک سلسله قواعد و قوانین در خود این دین وضع شده که کار آنها کنترل و تعدیل قوانین دیگر است. فقها این قواعد را قواعد حاکمه می‌نامند، مانند قاعده لاحرج و لاضرر که بر سراسر فقه حکومت می‌کند. کار این قواعد کنترل و تعدیل قواعد دیگر است در حقیقت اسلام برای این قاعده‌ها نسبت به سایر قوانین و مقررات حق وتو قائل شده است.»(مطهری، ۱۳۸۰: ۸۹). نکته‌ای که علاوه بر کار ویژه و خاص قاعده لاضرر در بیان شهید مطهری آمده است، ویژگی پویایی و تحرک دین مبین اسلام است که آن را در مواجه با مسائل متحدث زنده نگه می‌دارد. مسائل زیست محیطی نیز از همین قبیل می‌باشد که با رجوع به قواعد فوق و قواعدی که در ادامه خواهد آمد؛ می‌توان نظر شارع مقدس را نسبت به آنها، تا حد فراوانی استخراج نمود. نکته کلیدی در بررسی قاعده «لاضرر» حکومت آن بر تمامی احکام و افعال است به همین دلیل حتی در استفاده شخصی فرد و در محدوده مالکیت خصوصی خود نیز، فرد مطلق العنان نبوده و ملزم به رعایت حقوق محیط زیست خود می‌باشد. در حوزه حقوق محیط زیست نیز اعمال قاعده لاضرر به ممنوعیت هرگونه فعل و ترک فعل و همچنین قانونی می‌انجامد که دارای اثرات مخرب محیط زیستی باشد.

اولین نکته در این خصوص توجه به مفهوم محیط زیست در حقوق محیط زیست است که دایره‌ای به گستردگی تمامی محیط پیرامونی انسان را در بر می‌گیرد. به علاوه تمامی ابعاد متعدد آن (انسانی، جانوری، گیاهی، اشیاء و ابنیه، سلامت منظر و ساخت شهری) نیز می‌بایست مورد حفاظت قرار گیرند. به عنوان مثال در صورتی که تخلیه زباله‌های یک واحد صنعتی باعث آلودگی محیط زیست حاشیه یک روستا شود با توجه به گستردگی دایره شمول

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

قاعده «لاضرر» می‌توان از جهات گوناگون فعالیت فوق را متوقف نموده و خواستار جبران خسارت شد. البته معنای ضرر در این قاعده می‌تواند در موقعیت‌های گوناگون تغییر کند و از همین رو دریافت کامل این مفهوم نیازمند توجه همزمان به قاعده مصلحت می‌باشد. به بیان دیگر در صورتی که ممنوعیت انجام یک فعالیت صنعتی با مصلحتی که از نظر حاکم اسلامی دارای اهمیت بیشتری می‌باشد تعارض کند، تشخیص حکم صحیح می‌بایست با دقت توامان به قواعد فوق الذکر گرفته شود. هرچند در وضعیت موجود عمق فجایع و بحران‌های زیست محیطی و همچنین اثرات ناشناخته و بلند مدت عدم رعایت استانداردهای حفاظت از محیط زیست می‌تواند تا اندازه فراوانی، تکلیف مقنن را در این حوزه معین نماید.

لاضرر قاعده‌ای است که با پذیرش نقش اثباتی آن در احکام شرعی که برخی از فقیهان بدان اذعان نموده‌اند، می‌توان به جبران خسارت ناشی از تجاوز به سرمایه‌های زیست محیطی استناد نمود. نکته کلیدی در بررسی قاعده لاضرر، حکومت آن بر تمامی احکام و افعال است. به همین دلیل حتی در استفاده شخصی فرد و در محدوده مالکیت خصوصی خود نیز، فرد مطلق العنان نبوده و ملزم به رعایت حقوق محیط زیست خود می‌باشد. در حوزه حقوق محیط زیست نیز اعمال قاعده لاضرر به ممنوعیت هرگونه فعل و ترک فعل و همچنین قانونی می‌انجامد که دارای اثرات مخرب محیط زیستی باشد. بر اساس قاعده اتلاف نیز هرکس محیط زیست را تخریب نماید در برابر آن ضامن است

قاعده اتلاف

قاعده اتلاف که رابطه تنگاتنگی با قاعده لاضرر نیز دارد، از جمله قواعد اصطیادی است، به این معنا که مستند به روایت خاصی نبوده و از مضمون مجموعه‌ای از آیات: ۱۹٤/ سوره بقره و ۱۲٦/ سوره نحل و روایات از جمله حدیث مشهور: «حرمه مال المسلم کحرمه»(طوسی،۱۳۸۷) برداشت می‌گردد. البته در مبنای آن اختلافاتی نیز در میان فقها موجود می‌باشد که از بحث حاضر خارج است (الحسینی المراغی،۱٤۱۷ خوئی،۱٤۱۷).

قاعده اتلاف همچنین با قاعده تسبیب رابطه نزدیکی دارد و به بیانی هر دو یک قاعده ولی با دو نوع ظهور هستند. مال در صورتی که به مباشرت فرد تلف گردد اتلاف و اگر با سبب شدن وی از بین رود تسبیب است. اتلاف به معنای از بین بردن و نابود کردن مال می‌باشد که

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

در ابواب مختلف فقهی موضوعیت داشته و به همین دلیل از قواعد پرکاربرد فقهی می‌باشد (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸؛ محقق داماد، ۱۳۸۲).

حکم اولی در اتلاف مال دیگری از جهت تکلیفی حرمت و از جهت وضعی ضمان است (الفرحی، ۱٤۳۰؛ مصطفوی، ۱٤۲۱)، اتلاف هم همان گونه که در رابطه با قاعده لا ضرر توضیح داده شد در روابط بین افراد و ما بین افراد و محیط پیرامونشان حاکم است؛ به همین دلیل هر فعل و ترک فعلی که منجر به تخریب محیط زیست گردد موجبات ضمان فاعل آن را فراهم خواهد کرد. همچنین در قرآن کریم آیاتی موجود می‌باشد که مشخصاً به فساد و اتلاف و تخریب زمین و طبیعت اشاره دارد که می‌تواند مستند احکام محیط زیستی قرار گیرد. از جمله: آیه ۸۵ سوره اعراف: «در زمین پس از نظم و اصلاح آن به فساد برنخیزید.» و آیه ٤۱ سوره روم: «فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام دادند آشکار شد.» ذیل آیات فوق همانگونه که قبلاً اشاره گردید علامه طباطبائی اشاره می‌کند به این نکته که ظاهر این دو آیه عام بوده و تمام انواع فساد که در نظام بشری باعث تهدید کره زمین گردد را شامل می‌شوند (طباطبائی،۱٤۰۲: ۱٦۸).

یکی از اصول حقوق بین الملل محیط زیست که در حقوق اروپایی تأسیس شده است، عبارت است از اصل: «آلوده کننده، پرداخت کننده است.» که هم با قاعده ضمان و هم با قاعده اتلاف مرتبط می‌باشد و در حقیقت از حقوق داخلی وام گرفته شده است. بر اساس مفاد قاعده فوق هر زمان شخصی (حقیقی یا حقوقی) مسبب ایجاد آلودگی گردد می‌بایست هزینه‌های اعاده وضع سابق و یا خسارات وارد آمده به افراد و جامعه را جبران نماید. البته در خصوص این قاعده حقوقی اختلاف نظرهای فراوانی موجود می‌باشد که ناشی از عدم امکان آلوده کننده مشخص در مورد آلودگی‌های محیط زیستی، عدم امکان برقراری ارتباط میان آلوده کننده و خسارت وارد آمده و همچنین ملاحظات اقتصادی در این مورد است، اما به طور خلاصه و با بهره گیری از مبنای خطر در مسئولیت مدنی می‌توان از اصل فوق در جلوگیری از آلودگی‌های محیط زیستی استفاده کرد. به طور کلی می‌توان گفت بر اساس قاعده اتلاف، از بین بردن مال دیگری حرام است و موجب ضمان می‌گردد؛ بنابراین تخریب و از بین بردن محیط زیست که جزء اموال عمومی است و حق استفاده از آن متعلق به همه مردم است حرام و موجب ضمان خواهد بود.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

قاعده ضمانید

مستندات قاعده فوق، سیر عقلا، تسالم فقهاء، ادله احترام مال مسلمان و برخی روایات می‌باشد که البته در مستندات و مدارک آنها تردیداتی مثل تردید آیت الله خوئی در سند روایت به دلیل اینکه راوی حدیث ثمره است وجود دارد که باعث عدم استناد برخی از فقها به آنها شده است. قاعده ضمان همانگونه که بیان شد در حقوق بین الملل محیط زیست با اصل «آلوده کننده پرداخت کننده است» قابل قیاس می‌باشد. جایگاه این اصل که از اصول کلیدی حقوق محیط زیست می‌باشد به شکل مختصر بیان شد اما از کاربردهای مشخص فقهی این قاعده در حفاظت از محیط زیست می‌توان برای نمونه به فتوای امام خمینی در رابطه با مصرف بی‌رویه آب و برق، بر خلاف مقررات دولت اسلامی که از نظر ایشان موجب ضمان می‌باشد را ذکر کرد: «زیاده‌روی به نحو غیر متعارف حرام است و چنانچه موجب اتلاف و ضرر باشد موجب ضمان است.»(خمینی، ۱۳۷۰: ٤٩). این فتوا می‌تواند مستند بسیاری از قوانین محیط زیستی ما قرار بگیرد، هرچند که فتوای فوق و اساساً قاعده ضمان و مسئولیت مدنی در فقه شیعه بر اساس مشهور فقها مبتنی بر نظریه تقصیر می‌باشد. در نتیجه امکان مطالبه خسارت بسیار دشوار می‌گردد ولیکن شناسایی خسارت‌های محیط زیستی در فتوی و احکام دینی راه را برای قاعده پردازی فقهی محیط زیستی هموارتر می‌سازد (فهیمی و عرب زاده،۱۳۹۱: ٦٥).

قاعده مصلحت

مصلحت که در لغت به معنای صلاح و خیر و ثواب استفاده شده است (ابن منظور، ١٤٠٥) در اصطلاح عبارت است از جلب منفعت و دفع مضرت. این مفهوم بدون شک کلیدی‌ترین مفهوم در فقه شیعه می‌باشد، مفهومی که از یک طرف بیانگر صفت خلق خالق بوده و همه چیز را در حد اعلای حسن و نیکی می‌داند و از همین رو وظیفه خود را نیز در مقام حاکم و قانونگذار حفظ نظامات الهی می‌داند و از طرف دیگر هدف و مقصود فقیه است در صدور فتوی از آن جهت که بر خلاف مصالح نباشد. احکام فقهی دائر مدار مصالح و مفاسد هستند و به تعبیر واضح‌تر هر حکم شرعی متضمن رسیدن به مصلحتی یا فرار از مفسده‌ای است. مصالح پنج گانه که فقها مقصود شرع را نیل به آنها دانسته‌اند به شرح ذیل می‌باشد:

۱–حفظ دین؛ ۲–حفظ نفوس؛ ۳–حفظ عقول؛ ٤–حفظ نسل؛ ٥–حفظ اموال (حکیم،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

.(٤٧٠ :١٩٧٩

این قسم مصالح که دین و دنیای مردم به آن بستگی دارد، «مصالح ضروریه» نامیده می‌شوند. مصالح دو قسم دیگر نیز دارند که عبارتند از «حاجیه» و «تحسینیه»(خوئینی،۱۳۹۰: ۱۰). که اولی به معنای دفع حرج و دفع مشقت و مورد دوم پیروی از محاسن عادات و شیوه‌های مروت و جوانمردی می‌باشد. ناگفته پیداست که مقاصد محیط زیستی در هر سه گروه از اقسام مصلحت فراهم می‌آید، خصوصاً آنکه ضروریه به هیچ وجه تعطیل بردار نبوده و بر تمامی احکام، برنامه‌ها، اصول و قواعد حاکم هستند. از همین رو آنچه مصلحت مسلمین را تهدید نماید (برای مثال آلوده سازی آب‌ها) می‌بایست ممنوع شده و آنچه متضمن مصالح عامه است (مانند بهبود وضعیت کشاورزی برای حفاظت بیشتر از خاک) می‌بایست انجام پذیرد.

بر اساس قاعده تسبیب، هر کس سبب خسارت یا تلف مال غیر شود، باید از عهده خسارت وارده برآید، لذا در این قاعده، اثبات رابطه سببیت اهمیت ویژه‌ای دارد که از منظر آموزه‌های دینی هر سببی را که منجر به عدم تعادل محیط زیست و تخریب آن بیانجامد، مسبب مسؤولیت دارد.

با توجه به قاعده من له الغُنم فعلیه الغُرم کسانی که به انحاء مختلف اقدام به بهره برداری از محیط زیست می‌نمایند، مشمول این حکم از ضمانت شرعی بوده و مکلف به جبران مافات می‌شوند. بهره مندی از طبیعت نیز طیف وسیعی از اقدامات را در برمی گیرد. مواردی مانند احداث صنایع تولیدی، کارخانه، سد، ساخت و ساز در جنگل‌ها و مراتع، بهره برداری از حریم رودخانه‌ها، قطع اشجار و غیره. قاعده تضایف حق و تکلیف، قاعده عدالت، قاعده اختلال نظام و قاعده حق الناس نیز هر کدام وظایفی فقهی و اخلاقی را برای انسان ترسیم نموده و چارچوب‌هایی را تعریف می‌کنند که در ذیل عمل دقیق به آن‌ها می‌توان به حفظ محیط زیست، امید بست. البته ذکر دو نکته ضروری است: اولاً اینکه مصلحت عمومی بر مصلحت فردی مقدم است و به همین دلیل حتی احکام مالکیت نیز نمی‌تواند از حدود مصلحت عمومی تعدی نماید و ثانیاً مصالح دارای اولویت می‌باشند و مرجع تشخیص این اولویت‌ها حاکم اسلامی است. بحران‌های محیط زیستی و رسیدن آنها به نقطه خطرناک، مسلماً باعث می‌شود که اینگونه از مقاصد از درجه اهمیت بسیاری در مقام قانونگذاری و

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

برنامه‌ریزی برخوردار شوند (پناهی بروجردی، ۱۳۸۹: ۹۸). به طوری که در بعضی از مواقع عدم توجه به آنها باعث از بین رفتن موضوع بسیاری دیگر از مصالح و اهداف می‌گردد. برای مثال عدم توجه جدی به حفاظت از آبها ممکن است (که بسیاری از موارد نیز رخ داده است) موجب انتفاء امکان کشاورزی و در نتیجه ضربه خوردن به اقتصاد و استقلال کشور گردد.

همچنین نکته‌ای که اغلب حتی از سوی فعالان محیط زیستی نیز مغفول واقع می‌گردد، روابط چند جانبه عناصر طبیعی و اجتماعی می‌باشد. به بیان ساده‌تر در صورت عدم رعایت اصول و استانداردهای بهره برداری و حفاظت از طبیعت و در نتیجه تخریب آن در یک روند تأثیر و تأثّری، بسیاری از جنبه‌های حیات اجتماعی، اقتصادی و حتی حیات معنوی یک جامعه به مخاطره افتاده و دچار تنزل کیفیت می‌گردد، بنابراین در تنظیم اولویت‌ها و مصالح حکومت اسلامی می‌بایست این شبکه پیچیده حیات اجتماعی انسان را نیز در نظر آورده و سپس به تقنین و تنظیم فعالیت‌های اقتصادی پرداخت (فهیمی و عرب زاده ۱۳۹۱: ٦٧).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

پیامدهای خشک شدن دریاچه ارومیه

خشک شدن دریاچه ارومیه و تأثیرات سوء آن بر بهداشت و سلامت مردم منطقه می‌تواند مهمترین پیامد این فاجعه اکولوژیکی باشد. توسعه مبارزه با آفات و علف‌ها و استفاده گسترده از کودهای شیمیایی در حوضه آبریز دریاچه باعث شده است تا انواع سموم، آفت‌کش‌ها و کودهای شیمیایی روانه این دریاچه گردند، این مواد همراه سایر رسوبات ته نشین شده و با خشک شدن دریاچه توسط باد و طوفان به مناطق مسکونی و مزارع کشاورزی تا شعاع چند صد کیلومتری منتقل خواهد شد (رشد نیقی و همکاران،۱۳۹۱: ۱۷۵).

بنابر گزارش برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد حدود ٦ میلیون نفر در شهرهای اطراف دریاچه ارومیه ساکن می‌باشند که به صورت مستقیم با خطر مواجه خواهند بود و ٦/٧ میلیون نفر هم در شعاع ۵۰۰ کیلومتری این دریاچه، بحران موجود را احساس خواهند کرد (جوادی چهاربرج و همکاران،۱۳۹۳: ۲۷).

در تحقیقات و آزمایشاتی که از مواد و نمک‌های ته نشین شده تالاب ارومیه به عمل آمده است، معلوم می‌شود که در این مواد فلزات خطرناک و سنگین همچون جیوه و سرب نیز وجود دارد که این مواد باعث انباشتگی بیولوژیکی در بدن انسان شده و بیماری‌های تنفسی

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

و پوستی را افزایش می‌دهد و باعث ازدیاد چندین برابری بیماری سرطان و بیماری‌های حاد تنفسی، ریوی، قلبی و پوستی می‌گردد. (جوادی چهاربرج و همکاران،۱۳۹۳: ۲۷). با بررسی «دریاچه» آرال که از شمال به قزاقستان و از جنوب به ازبکستان منتهی می‌شود و در سال ۱۹٦۰ چهارمین دریاچه بزرگ جهان به شمار می‌رفت (۱۵ برابر دریاچه ارومیه)، مشخص می‌شود که این دریاچه شرایطی همسان با دریاچه ارومیه را پشت سر گذاشته است که خشک شدن آن باعث ایجاد فجایعی زیست محیطی و بهداشتی فراوانی گردیده است. بحران زیست محیطی دریاچه آرال تاکنون پیامدهای ذیل را در پی داشته است:

اثر بر اقلیم:

۱- ایجاد آلودگی هوا به دلیل افزایش میزان ذرات معلق، مواد شیمیایی و نمک.

۲- از بین رفتن اثر تعدیل کنندگی هوا توسط دریاچه، یعنی زمستان‌ها سردتر و تابستان‌ها گرمتر شدند.

۳- کاهش دوره زراعت

٤- افزایش روزهای بدون باران.

اثر بر سلامتی:

۱- افزایش انواع سرطانها (خون، حنجره)

۲- افزایش بیماری‌های دستگاه تنفسی (آسم، برونشیت)

۳- افزایش شاخص مرگ و میر در کودکان و سقطهای جنینی و انواع نارسائی‌ها در کودکان

٤- شیوع انواع بیماری‌های چشمی.

آثار اقتصادی:

۱- از بین رفتن اکوسیستم دلتا.

۲- نابودی صنایع کشتی سازی و ماهیگیری و صنایع وابسته.

۳- از بین رفتن انواع گونه‌های گیاهی و جانوری.

٤- خالی از سکنه شدن تعداد زیادی از آبادی‌ها.

۵- افزایش میزان فقر و بیکاری.

٦- بروز مشکلات جدی در کمیت و کیفیت آب آشامیدنی (سلیمانی و همکاران،۱۳۸۹: ٤۰).

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

طبق گزارش برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد، خشک شدن دریاچه آرال یکی از مهمترین فجایع زیست محیطی قرن بیستم تلقی شده است (کولایی، ۱۳۷۳: ۱۲).

بنابر گزارش سازمان بهداشت جهانی، با خشک شدن دریاچه آرال، وضعیت بهداشتی مردم منطقه به سرعت بدتر شد و نرخ مرگ و میر کودکان در این منطقه از حدود ۲۵ در هزار تولد زنده در سال ۱۹۵۰ به ۷۰ تا ۱۰۰ نفر در هزار، در سال ۱۹۹۶ افزایش یافت و بیش از ۶۰ هزار نفر از جمعیت مردم منطقه (قره قالپاق) ازبکستان در اثر این حادثه کاسته شده است (ملکی، ۱۳۷۸: ۵۰).

به گفته کارشناسان سازمان بهداشت جهانی، عامل اصلی شیوع بیماری‌های متعدد در منطقه آرال، گرد و غبار حاوی سموم بوده است که باعث شیوع بیماری‌های سیستم ایمنی بدن، انواع سرطان، کم خونی و هپاتیت در منطقه شده است. همچنین بیماری‌های حاد تنفسی دلیل بیش از نیمی از مرگ و میر کودکان را تشکیل می‌داد؛ این در حالی است که وجود «ذرات نمک» در هوای شهرهای اطراف دریاچه ارومیه مورد تائید بسیاری از کارشناسان قرار گرفته است (جوادی چهاربرج و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۸).

بنابراین بسیار واضح است که خشک شدن دریاچه ارومیه باعث رخداد فاجعه‌ای عظیم در آینده‌ای نزدیک خواهد شد و چه بسا همین الان این فاجعه در حال وقوع است. باغ‌ها و مزارع فراوانی که در اطراف دریاچه ارومیه واقع شده‌اند و هر سال به تعداد دفعات متعدد با انواع و اقسام سموم و کودهای شیمیایی تغذیه می‌شوند و بدیهی است که باقیمانده این سموم و کودها روانه دریاچه ارومیه شده و بعد از ته نشین شدن در نمک دریاچه ارومیه با خشک شدن دریاچه همراه باد و طوفان در میان شهرهای اطراف دریاچه پراکنده خواهد شد و باعث بیماری‌های فراوانی در بین مردم خواهد گردید بدون اینکه مردم از منشأ این بیماری‌ها اطلاع داشته باشند.

همانگونه که در ابتدا هم بیان گردید، یکی از مهمترین مبانی فقهی حق بر محیط زیست، قاعده لاضرر می‌باشد که بر طبق آن هر نوع ضرر رساندن به مردم ممنوع بوده و حتی می‌توان بر طبق این قاعده قوانین جدیدی نیز در جهت دفع ضرر از مردم وضع نمود.

با بررسی وضعیت دریاچه ارومیه باید گفت، ضرری که خشک شدن این دریاچه بر سلامتی مردم دارد، بزرگ‌ترین و فاجعه بارترین ضرر و زیان خواهد بود. بنابراین باید گفت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

بر طبق قاعده لاضرر هرگونه فعالیت انسانی که باعث خشک شدن دریاچه می‌گردد ممنوع است. اعم از اینکه منفعتی نیز داشته باشد یا خیر. به دلیل اینکه در مقام تعارض قاعده لاضرر و قاعده تسلیط، اگر تسلیط باعث ضرر بر غیر شود، قاعده لاضرر مقدم بوده و بر قاعده تسلیط حاکم است.

بنابراین می‌توان گفت هرگونه سد سازی، کندن چاه‌های عمیق و نیمه عمیق، اسراف و زیاده روی در مصرف، ایجاد کارگاهها و کارخانه‌های صنعتی که احتیاج به مصرف فراوان آب دارد یا پسماندهای شیمیایی تولید می‌کند ممنوع بوده و همچنین بر طبق این قاعده می‌توان گفت، هر پروژه‌ای که باعث این فاجعه گردیده و در روند خشک شدن دریاچه ارومیه تأثیر دارد، باید تخریب گشته و طبیعت به حالت اولیه بر گردد. شاید بتوان گفت تخریب تمامی سدهایی که در مسیر جریان رودخانه‌های منتهی به دریاچه ارومیه واقع شده‌اند دارای توجیه قانونی بوده و همچنین می‌توان طبق این قاعده حکم به تخریب بزرگراه شهید کلانتری و روگذر دریاچه ارومیه یا لااقل حکم به تعدیل آن داد به نحوی که خسارت بر دریاچه ارومیه از بین برود.

همچنین می‌توان گفت به خاطر جلوگیری از فاجعه عظیم خشک شدن دریاچه ارومیه، تمامی چاه‌های عمیق و غیر عمیقِ غیر مجاز که در اطراف دریاچه حفر گشته و سالانه میلیون‌ها متر مکعب از آب‌های زیرزمینی حوضه دریاچه را استحصال و تبخیر می‌نمایند پلمپ یا پر شود و حتی پلمپ چاههای مجاز نیز به دلیل اهمیت حفظ سلامت مردم دارای وجاهت قانونی، عرفی و اخلاقی است. بر طبق آیات قرآن و روایات که صراحتاً دال بر حفظ محیط زیست و عمران و آبادانی و عدم تخریب محیط زیست می‌باشند هر گونه اقدامی که در روند خشکسالی دریاچه ارومیه مؤثر است جایز نبوده و تلاش در حفظ و نگهداری این تالاب نیز واجب می‌باشد.

همچنین سایر مبانی فقهی مثل قاعده‌های اتلاف، ضمانید، مصلحت و دلیل عقلی و بنای عقلا و همچنین مبانی حقوقی همانند نیاز به محیط زیست، ارزش و منفعت داشتن محیط زیست نیز به وضوح دال بر این هستند که هر گونه فعالیتی منجر به خشک شدن دریاچه گردد ممنوع بوده و تلاش در جهت حفظ این دریاچه لازم است. دریاچه ارومیه با مساحت حدود ۵۰۰۰ کیلومتر مربع به خاطر موقعیت اکولوژیکی خود، علاوه بر اینکه قلب تپنده آذربایجان

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

می‌باشد؛ باید گفت در محیط زیست شمال، مرکز و جنوب غرب ایران و حتی کشورهای همسایه شمالی و غربی ایران نیز تأثیر گذار است. در دهه گذشته آب این دریاچه پسروی خود را آغاز نموده و اکنون حدود ۷۰ این دریاچه تبدیل به بیابان نمک گردیده است.

دلایل این خشک شدن را می‌توان علل طبیعی از جمله: تغییر اقلیم، خشکسالی، تبخیر، افزایش دما و علل انسانی از قبیل احداث سدهای متعدد، برداشت بی رویه در بخش کشاورزی، افزایش جمعیت و مصرف بی رویه آب و احداث پل میانگذر شهید کلانتری برشمرد.

تبعات خشک شدن دریاچه ارومیه برای منطقه، کشور و کشورهای همسایه قابل جبران نخواهد بود؛ زیرا خشکیدگی دریاچه ارومیه یعنی ایجاد بیابان نمک با وسعت ۵۰۰۰ کیلومتر، که طوفان نمک حاصل از آن می‌تواند تا هزاران کیلومتر، سلامت، بهداشت، کشاورزی و اقتصاد را از بین ببرد و این یعنی از بین رفتن حقوق مسلم مردم از قبیل حق حیات، حق انتخاب آزادانه محل اقامت، حق بر بهداشت و سلامت و حق بر کار و تغذیه مناسب. همه این عواقب چه در حقوق بین الملل و چه در اسلام غیر قابل قبول است. آیات متعددی که در فصل اول بیان شد و همچنین روایات، قواعد فقهی از جمله قاعده لاضرر، عقل و بنای عقلاء در فقه و همچنین مبانی ارزش، منفعت و نیاز در حقوق بین الملل بیانگر این مطلب هستند که جلوگیری از خشک شدن دریاچه به هر نحو ممکن و سعی در احیای آن لازم و واجب است.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

نتیجه گیری

با توجه به شرایط فعلی محیط زیست و تخریب رو به افزایش آن، می‌توان گفت بحران زیست محیطی نیز همانند دیگر بحران‌های برآمده از فرهنگ مادی گرا، زمینه‌ها و پشتوانه‌های فلسفی و اخلاقی دارد. در حال حاضر به دلیل تداوم بحران‌های زیست محیطی، دیدگاه جهانی نسبت به مذهب تغییر یافته و به عنوان یکی از عوامل مؤثر در کاهش معضلات زیست محیطی مورد توجه قرار گرفته است. در چنین شرایطی بررسی نگاه دین به محیط زیست، اهمیتی مضاعف می‌یابد. برای آگاهی از جایگاه محیط زیست در منظومه تعالیم دینی می‌توان تقسیمی چهارگانه را از تمام روابط انسان در نظر گرفت؛ رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با خود، رابطه انسان با دیگر انسان‌ها و رابطه انسان با طبیعت. چگونگی تعامل انسان با طبیعت و منابع طبیعی، آب، خاک، هوا، جنگل، جانوران و ...؛ در حوزه چهارم روابط انسان تعریف شده و احکام این روابط در نگاه فقهی به این حوزه تبیین و تشریح می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت که حق بر محیط زیست یکی از مهمترین مصادیق نسل سوم حقوق بشر یعنی حقوق همبستگی است که در عصر حاضر به دلیل بحران‌های زیست محیطی مورد توجه قرار گرفته است. هر چند در فقه اسلامی از اصطلاح حق بر محیط زیست استفاده نشده است ولی از مهمترین عناصر محیط زیست مثل طبیعت، حیوانات و آب و هوا نام برده شده و به لزوم حفظ محیط زیست و عمران و آبادانی دستور داده شده است و با توجه به اینکه در دیدگاه فقهی هر تکیلفی لازمه و جود حقی است، می‌توان گفت مهمترین عناصر حق بر محیط زیست در فقه بیان گردیده است. و اینکه مهمترین مبانی فقهی حق بر محیط زیست را می‌توان آیات قرآن، روایات متواتر، عقل، بنای عقلاء و قواعد فقهی مسلّم از جمله: قاعده لاضرر، اتلاف و تسبیب عنوان کرد بنابراین با تحلیل آیات و روایات مربوط به محیط زیست می‌توان به مهمترین فلسفه حق بر محیط زیست از دیدگاه خداوند متعال و اهل بیت پی برد که تکلیف، امنیت، آبادانی کشور، بهداشت و سلامت، امنیت و آرامش روانی، ایجاد رفاه و رونق اقتصادی، ایجاد اقتدار ملی، ارزش ذاتی و نیاز انسان به محیط زیست، از جمله آنها می‌باشد و مهمترین مبانی حقوقی حق بر محیط زیست نیز ارزش ذاتی و ارزش ابزاری محیط زیست می‌باشد و از بزرگترین حقوق زیست محیطی در کشور ما، حق بر محیط زیست دریاچه ارومیه است که در نتیجه دخالت عوامل طبیعی و انسانی در معرض تضییع و نابودی قرار گرفته است. می‌توان

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

گفت مهمترین پیامدهای خشک شدن دریاچه ارومیه عبارت است از تهدید سلامت مردم و از بین رفتن اقتصاد منطقه و مهاجرت که ضرری غیرقابل جبران محسوب می‌گردد. و مهمترین علت خشک شدن دریاچه ارومیه عبارت است از عوامل طبیعی مثل خشکسالی و عوامل انسانی نظیر: حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق، احداث سدهای متعدد و احداث پل میان گذر شهید کلانتری. بنابراین بهترین راهکار برای احیای دریاچه ارومیه بازگرداندن محیط زیست منطقه به حالت سابق و تعدیل یا تخریب عوامل انسانی از جمله: سدها، پل میانگذر شهید کلانتری و پلمپ چاههای غیر مجاز می‌باشد که با استفاده از مبانی فقهی قابل توجیه است. به طور کلی می‌توان گفت در بررسی فقهی حفظ محیط زیست، ادله مختلفی از قرآن، سنت و عقل مطرح است، اما در این میان، با توجه به ویژگی‌های خاص قاعده فقهی در استقلالی بودن و مراجعه شخص مکلف به آن و اینکه می‌تواند حکم مسائل جزیی را تعیین کرده و از طرفی دارای شمول و فراگیری هم هست، بررسی قواعد فقهی در حوزه محیط زیست، این نتیجه و ثمره عملی را برای مکلف دارد که نتیجه آنها اثبات ضمان (با توجه به برخی قواعد فقهی) در نتیجه هر عمل تخریبی در محیط زیست است. قاعده لاضرر، قاعده اتلاف، قاعده تسبیب، قاعده من له الغُنم فعلیه الغُرم، قاعده تضایف حق و تکلیف، قاعده عدالت، قاعده اختلال نظام و قاعده حق الناس؛ هشت قاعده‌ای هستند که هر یک از زاویه‌ای مسؤولیت‌هایی را در تعامل انسان با طبیعت را بیان می‌کنند در پایان می‌توان گفت که یکی از ملاحظات مهم در بررسی‌های فقهی، حل تعارضی است که میان ادله نقلی بویژه در روایات حاصل شده و بررسی و نحوه جمع بندی بین آنها، ابوابی مهم در اصول فقه را با عنوان حکومت و ورود، تخصیص و تخصص و .... شکل داده است. اما در این مقاله با توجه به اینکه مبنای پژوهش در حوزه قواعد فقهی بود، این قواعد مؤید یکدیگر در الزامات حفظ محیط زیست بوده و با توجه به آنچه در فرآیند پژوهش نتیجه گردید، قواعد فقهی نه تنها تعارضی با یکدیگر در تبیین الزامات حفظ محیط زیست نداشتند، بلکه یکدیگر را پشتیبانی و تقویت می‌کردند. در مورد همپوشانی این قواعد با یکدیگر نیز ذکر این نکته ضروری است که افزایش تعداد ادله‌ای که یک نتیجه فقهی را پشتیبانی می‌کنند، به معنای همپوشانی آن ادله با یکدیگر نیست، بلکه به استحکام نتیجه حاصله کمک می‌نماید.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

راهکارها و پیشنهادات

برای احیاء دریاچه ارومیه راهکارهای متعددی پیشنهاد شده است که عبارتند از:

– انتقال آب بین حوزه‌ای: انتقال آب بین حوزه‌ای یکی از مهمترین این راهکارهاست. انتقال از رودهای زاب، ارس و دریای خزر؛ ولی به نظر می‌رسد راه نجات دریاچه ارومیه در خود منطقه می‌باشد نه جای دیگر. خداوند متعال در جای جای قرآن کریم از جمله آیه ۱۳ سوره جاثیه می‌فرمایند: «سخر لکم فی السموات و ما فی الارض جمیعاً...». یعنی هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است را از سوی خود برای شما مسخر و رام کرد، طبق این آیه و آیات مشابه، زمین و آسمان در جهت منافع انسان رام گردیده است و بدیهی است در عرف رام در مقابل وحشی به کار می‌رود. بنابراین باید گفت همانگونه که هر حیوان اهلی در صورت اذیت و آزار و دستکاری، خوی وحشی گری خود را بروز می‌دهد، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها نیز می‌توانند چنین عکس العملی را از خود نشان دهند. باید گفت در مورد دریاچه ارومیه نیز همین اتفاق افتاده است. بستن رودخانه‌های منتهی به دریاچه، احداث پل میانگذر با خاکریزی حدود ۱۰ کیلومتر و دو نیم کردن دریاچه، حفر حدود ۲۲۰۰۰ حلقه چاه غیر مجاز و دهها هزار حلقه چاه مجاز و همچنین برداشت‌های بی رویه جهت مصارف خانگی و صنعتی، دست بردن در طبیعت می‌باشد که منجر به وحشی شدن آن گشته است.

– دست کشیدن از دستکاری طبیعت: یقیناً با بستن چاه‌های عمیق و نیمه عمیق یا اصلاح آبیاری از غرق آبی به قطره‌ای یا دیمی، جلوگیری از ذخیره‌سازی رودخانه‌ها در پشت سدها و رها کردن آب سدها، جلوگیری از برداشت‌های بی‌رویه از رودخانه‌های منتهی به دریاچه، اصلاح پل روگذر شهید کلانتری به صورتی که خاکریز تبدیل به پل شده و آب از زیر آن جریان پیدا کند (که با پیشرفت علم قاعدتاً امکان پذیر است) و در صورت عدم امکان تبدیل، تعطیلی و تخریب آن، اصلاح الگوی مصرف در مصارف خانگی و صنعتی، جلوگیری از گسترش باغ و باغات و تبدیل کشت محصولاتی که نیاز به آب فراوان دارند مانند پیاز، خربزه و چغندر قند به محصولات دیمی می‌تواند راهگشای احیای دریاچه ارومیه باشد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

منابع

- ابراهیمی سالاری، حسن (۱۳۹۲)، «بررسی جایگاه محیط زیست در اسلام و نقش آن در توسعه پایدار»، همایش ملی پژوهش‌های محیط زیست ایران.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (١٤٠٥)، لسان العرب، ج ۲، قم: ادب الحوزه.
- افتخارجهرمی، گودرز (۱۳۸۱)، «حق بر محیط زیست با تأکید بر حد دسترسی بر اطلاعات زیست محیطی» نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران.
- امیر ارجمند، اردشیر (۱۳۷۳)، «حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵.
- انصاری، مرتضی (۱۳۷۵)، المکاسب، تبریز: مطبعه المطبوعات.
- باقرزاده کریمی، مسعود و مهبد روحانی روانکوهی (١٣٨٦)، راهنمای تالاب‌های ایرانی ثبت شده در کنوانسیون رامسر، تهران: انتشارات روز نو.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۹)، قواعد فقه؛ مختصر ۷۷ قاعده فقهی و حقوقی با تطبیق بر قوانین، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- تهانوی، محمد اعلی بن علی (١٩٩٦)، موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۵، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- جوادی آملی، عبدالله (١٣٨٤)«مبانی کلامی حق و تکلیف»، فصلنامه اندیشه نوین دینی، شماره ۱.
- جوادی آملی، عبدالله (١٣٩٤ ش)، مفاتیح الحیاه، تحقیق و تنظیم: حجج اسلام محمد حسین فلاح زاده، یدالله مقدسی و همکاران، قم: اسراء.
- جوادی چهاربرج و همکاران (۱۳۹۳)، تأثیر توسعه ناپایدار بر نقض حقوق بشر با تأکید بر بحران زیست محیطی دریاچه ارومیه، دومین همایش ملی برنامه‌ریزی، حفاظت، حمایت از محیط زیست و توسعه پایدار، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، مسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه، ج ۸ و ۱۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- الحسینی المراغی، سید میر عبدالفتاح (١٤١٧)، العناوین الفقهیه، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- حکیم، محمد تقی (۱۹۷۹)، الاصول العامه للفقه المقارن: مدخل الی دراسه الفقه المقارن، بیروت: موسسه آل البیت (ع).
- حلی، ابن ادریس (١٤١١)، السرائر، ج ۲، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- خراسانی، محمدکاظم (١٤٢٢)، کفایه الأصول، جلد ۲، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۰)، استفتاءات، ج ۲، قم: انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین.
- خوانساری نجفی، موسی بن محمد (۱۳۵۷)، منیه الطالب؛ تقریرات درس میرزای نائینی، جلد ۲، نجف: مطبعه المرتضویه.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

- خوئینی، غفور و همایون رضائی نژاد (۱۳۹۰)، «مصلحت و مسائل نو ظهور حقوق»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۳۳.
- سلیمانی، ایران (۱۳۹۵)، «مبانی حق بر محیط زیست در فقه امامیه»، فصلنامه اخلاق زیستی، سال ششم، شماره نوزدهم.
- سلیمانی و همکاران (۱۳۸۹)، بررسی پیامدهای بهداشتی و زیست محیطی کاهش آب دریاچه ارومیه با مقایسه تطبیقی با موارد مشابه در سایر نقاط جهان (نظیر دریاچه‌های آرال، چاد، ابینور، ئایدینگ کول وبگا)، سیزدهمین همایش ملی بهداشت محیط ایران، کرمان: تالار فارابی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱٤۱۳)، مسالک الافهام، ج ۱ و ۳، الطبعه الاولی، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (بی تا)، الروضه البهیه فی شرح المعه الدمشقیه، ج ۲، قم: مکتب الاعلام اسلامی.
- صدر، سید محمدباقر (۱٤۰۰ ه.ق)، بحوث فی شرح العروه الوثقی، بیروت: مجمع الشهید آیت‌الله الصدر العالمی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱٤۰۸)، مجمع البحرین، ج ۳، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط، ج ٤، بی جا: مکتبه الباقر البهبودی.
- فهیمی، عزیزالله و علی عرب زاده (۱۳۹۱ ش)، «مبانی فقهی حقوق محیط زیست»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال سیزدهم.
- فیروزی، مهدی (۱۳۸٤)، حق بر محیط زیست، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- قدیر، محسن (۱۳۹٤)، «حق بر محیط زیست از منظر حقوق بشر بین‌المللی و اسلام»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال دوم، شماره دوم.
- قرضاوی، یوسف (۲۰۰۱ م)، رعایه البیئه فی شریعت الاسلام، مصر: دارالشروق.
- کرکی، علی بن الحسین (۱٤۰۸)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۳، قم: موسسه آل البیت (ع)، الطبعه الاولی.
- کیس، الکساندر (۱۳۸٤)، حقوق محیط زیست، محمدحسن حبیبی، تهران: دانشگاه تهران.
- کولایی، الهه (۱۳۷۳)، «ریشه‌های اقتصادی-سیاسی بحران دریاچه آرال»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، دوره دوم، شماره ۸.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۸)، قواعد فقه؛ بخش مدنی، جلد ۱، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق داماد، مصطفی، (۱۳۸۲)، قواعد فقه، بخش مدنی، چاپ دهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۸)، مبانی استنباط حقوق اسلامی، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، مجموعه آثار، ج ۱۹، تهران: صدرا.
- مظفر، محمدرضا (۱۳٦۸)، اصول فقه، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

- مکارم شیرازی، ناصر (١٤١١)، القواعد الفقهیه، ج ١، اصفهان: مرسه الامام امیرالمؤمنین (ع)، الطبعه الثالثه.
- ملکی، قاسم (١٣٨٧)، «دریاچه آرال: بحران محیط زیستی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هشتم، دوره سوم، شماره ٢٦.
- موسوی بجنوردی، سید محمدحسن (١٤١٣)، القواعد الفقهیه، جلد ١، قم: نشر اسماعیلیان.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن (١٣٢١)، عوائد الأیام، به کوشش ابوطالب نائینی، چاپ سنگی.
- نراقی، احمد (١٤٠٨)، عوائد الأیام، قم: منشورات مکتبه بصیرتی.

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI:١٠.٢١٨٥٩/priw-٠٩٠٢٠٨
نیکخواه سرنقی، رضا؛ صالحی، سید مهدی؛ جوادی، حسین (١٣٩٨)، «بررسی الگوی فقهی و سیاست‌های محیط‌زیستی جمهوری اسلامی ایران در دریاچه ارومیه»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س٩، ش٢، تابستان ٩٨، صص ٢١٣-١٨٣.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]